Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 7/ No. 1/ 2020
Page: 43-56

Mediator role of difficulty in emotion regulation in relation between attachment to parents and social anxiety disorder symptoms in adolescent females

Yekta Deh Bozorgi[1], Azam Davoodi[2]

1-Master of Psychology, Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2- Assistant Professor, Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (Corresponding Author). E-mail: davoodi.azam@yahoo.com

Received: 05/12/2019 **Accepted:** 09/02/2020

Abstract

Introduction: Attachment styles are those intrinsic sources in which can balance stress levels and disability in unpalatable situations and make the negative effects of tension less.

Aim: The purpose of this research is the mediator role of difficulty in emotion regulation in relationship between parental attachment and social anxiety disorder symptoms in adolescent females.

Method: This study is a correlation-descriptive research method and the statistical population of this study has been chosen among first grade of junior high school students in districts 1 and 2 of Shiraz in the school year of 2017-2018. In this research, a total of 175 students have been selected by multistage cluster sampling. Attachment, anxiety and emotion regulation difficulty were used for data collection. Data were analyzed using Pearson correlation test and path analysis test.

Results: Difficulty in emotion regulation is playing a mediator role in relation between parental attachment and social anxiety and there is a meaningful relationship between parental attachment and difficulty in emotion regulation of adolescent females ($P<0.05$).

Conclusion: As a result, it can be said that attachment to parents acts as an underlying mechanism in improving social anxiety function and the difficulty variable in emotion regulation causes symptoms of social anxiety disorder in adolescent females.

Keywords: Emotion regulation, Attachment, Parental attachment, Social anxiety

How to cite this article : Deh Bozorgi Y, Davoodi A. Mediator role of difficulty in emotion regulation in relation between attachment to parents and social anxiety disorder symptoms in adolescent females. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2020; 7 (1): 43-56 .URL: http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-612-fa.pdf

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۹
صفحات: ۵۶-۴۳

نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و علائم اختلال اضطراب اجتماعی در نوجوانان دختر

یکتا ده بزرگی[۱]، اعظم داودی[۲]

۱.دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (مولف مسئول). ایمیل: davoodi.azam@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

چکیده

مقدمه: سبک‌های دل‌بستگی از منابع درون فردی هستند که می‌توانند سبب تعدیل سطوح تنش و ناتوانی در شرایط ناگوار شده و اثرات منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند.

هدف: هدف این تحقیق نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و علائم اختلال اضطراب اجتماعی در نوجوانان دختر است.

روش: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بوده و جامعه آماری این مطالعه شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول ناحیه یک و دو شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ است. در این پژوهش مجموعاً ۱۷۵ دانش‌آموز به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری اطلاعات از دل‌بستگی، اضطراب و دشواری تنظیم هیجان استفاده شد. داده‌ها با استفاده آزمون همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و اضطراب اجتماعی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند و بین دل‌بستگی به والدین و دشواری در تنظیم هیجان نوجوانان دختر رابطه معنی‌داری ($P<۰/۰۵$) وجود دارد.

نتیجه‌گیری: در نتیجه می توان گفت دل‌بستگی به والدین به عنوان یک مکانیسم زیر بنایی در بهبود عملکرد اضطراب اجتماعی عمل کرده و متغیر دشواری در تنظیم هیجان سبب ایجاد علائم اختلال اضطراب اجتماعی نوجوانان دختر می‌گردد.

کلید واژه‌ها: تنظیم هیجان، دل‌بستگی، دل‌بستگی به والدین، اضطراب اجتماعی

تمامی حقوق نشر براي دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

مقدمه

اختلال‌های اضطرابی یکی از شایع‌ترین اختلال‌های دوران نوجوانی و جوانی هستند (توبرت و پینیکورات، ۲۰۱۱). در واقع اختلال اضطرابی شامل اختلالاتی است که ویژگی‌های ترس و نگرانی بیش از اندازه واقعی یا قریب الوقوع است، در حالی‌که اضطراب پیش بینی تهدید آتی است (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). افراد مبتلا به اختلال‌های اضطرابی با اثرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد روانی اجتماعی خود مواجه هستند. برای مثال مطالعات اخیر ارتباط منفی اختلال‌های اضطرابی با کفایت اجتماعی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی نوجوانان را گزارش داده‌اند (توبرت و پینکورات، ۲۰۱۱). فوا و همکاران (۱۹۹۶) نشان دادند که در مقایسه با افراد بهنجار، افراد مضطرب اجتماعی، پیامد منفی رویدادهای اجتماعی را بالاتر برآورد می‌کنند. پیامد اختلال اضطراب اجتماعی در کودکان و نوجوانان با امتناع شدید از مدرسه ارتباط دارد (لاست و استراووس، ۱۹۹۰). اختلال‌های اضطرابی موجب مختل کردن عملکردهای تحصیلی، اجتماعی و خانوادگی شده (ایسو و موریس ادرر، ۲۰۰۲) و اغلب اوقات یک مسیر مزمنی را طی می‌کنند که ممکن است تا بزرگ‌سالی ادامه یابد (رزا، هافسترا، وندرهند و وهالست، ۲۰۰۳). همچنین این اختلالات در دوران نوجوانی به عنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های افسردگی، سوءمصرف مواد و ناتمام رها کردن تحصیلات دانشگاهی در بزرگ‌سالی است (بوکنر، اشمیت و لنگ، ۲۰۰۸) و (وودوارد و فرگوسن، ۲۰۰۱).

شواهد نشان می‌دهد که تنظیم هیجان ناکارآمد یکی از ویژگی‌های اصلی اختلال اضطرابی است (منین، هولاوی، فرسکو، مور و هایمبرگ، ۲۰۰۷). تنظیم هیجان به عنوان تلاش فرد برای نگهداری، بازداری و افزایش تجارب و حالات هیجانی تعریف می‌شود (بریدجز، دنم وگانیبان، ۲۰۰۴؛ روتنبرگ و گراس، ۲۰۰۷).

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که تنظیم هیجانی مؤثر با سلامت روان و تنظیم هیجان ناکارآمد با دامنه‌ای از اختلال‌های رفتاری و اختلال‌های روانی (کان و مترووویکس، ۲۰۱۰) و اختلال اضطراب اجتماعی (منین و همکاران، ۲۰۰۷؛ منین، مک لافلین و فلاناگان، ۲۰۰۹) مرتبط است. طبق تحقیقات گزارش شده مشکلات تنظیم هیجان در اختلال اضطراب اجتماعی هم در سطح درون فردی و هم در سطح میان فردی گزارش شده است (جزایری، موریسن، گلدین و گراس، ۲۰۱۵).

بخش عمده‌ای از تنظیم هیجان ریشه در دل‌بستگی افراد دارد. نظریه دل‌بستگی بالبی[1] (۱۹۶۹ و ۱۹۷۳) یکی از مفیدترین چارچوب‌های مفهومی معاصر در درک تنظیم هیجان است. بالبی دل‌بستگی را در ویژگی نوع انسان می‌داند که باعث ایجاد پیوند هیجانی قوی با افراد خاص می‌شود. تفاوت‌های فردی افرادی را در کارکردهای سیستم دل‌بستگی که نتیجه تجربیات اجتماعی با مراقبان در دوران نوزادی و کودکی است که مبنای فرآیندهای درونی و شناختی را توصیف می‌کنند. دل‌بستگی پیوند عاطفی بین کودک و مادر است که نقش تعیین کننده‌ای در کنترل هیجانات فرد در دوران نوجوانی و بزرگ‌سالی دارد (فِنی، ۱۹۹۹). طبق نظریه بالبی (۱۹۷۳) روابط دل‌بستگی همیشه موجود و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند؛ به این معنا که سوابق روابط عاطفی کودک با مراقب خود پیامدهای بلند مدتی را ایجاد کرده که آثارش تا سنین بزرگ‌سالی به چشم می‌خورد (گودوین،

[1]- Bowlby

۲۰۰۴). بررسی‌ها حاکی از آن است که سبک دل‌بستگی توان پیش بینی تنظیم هیجانی را دارد (استروبی، شات و استوربی، ۲۰۰۶).

در این زمینه می‌توان به نتایج پژوهش‌هایی مانند، اروزاکان[1] (۲۰۰۹) اشاره کرد که وی دریافت سطح اضطراب اجتماعی افرادی که دل‌بستگی ایمن داشته‌اند، کمتر از افرادی است که دل‌بستگی ناایمن را تجربه کرده‌اند. همچنین نتایج تحقیقات بروماریو وکرنز[2] (۲۰۰۹) نیز حاکی از آن است که دل‌بستگی ایمن و دل‌بستگی دوسوگرا به مادر، به ترتیب با کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی رابطه معناداری دارد و رابطه افراد دارای دل‌بستگی ایمن به مادر با همسالان از کیفیت بالاتری برخوردار است و شایستگی‌های اجتماعی بیشتری دارد. افرادی که دارای همبستگی ایمن بوده، اضطراب کمتری را نسبت به گروه ناایمن نشان می‌دهند و نیز سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا به طور معنا داری با علائم اضطراب همبستگی دارند (برون و وایتساید، ۲۰۰۸).

تحقیقات نشان داده است که دل‌بستگی ناایمن راهبردهایی در تنظیم هیجان را راه اندازی کرده که این امر موجب پریشانی و آسیب پذیری در واقع هیجانات روانی می‌شود؛ به عبارتی تولید هیجانات وابسته به تغییرات ادراک شده در محیط است؛ این تغییرات خودکار و اغلب نا هوشیار در ارتباط با نیاز اهداف، آرزوها، نگرانی‌های فردی بوده و به عبارتی دیگر نوع هیجانات در ارتباط با نگرانی و الگوهای ارزیابی فردی است (گراس، ۲۰۱۴).

بنابراین مشکلات هیجانی تجربه شده توسط افراد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی، ممکن است شامل عدم آگاهی از حالات هیجانی تجربه شده خود و همچنین عدم توانایی برای تنظیم هیجان‌ها باشد. شواهد جدید مربوط به اختلال‌های اضطرابی نشان می‌دهد که مشکل در تنظیم هیجان ممکن است عامل مهمی در این اختلال‌ها باشد (رودبوف و هیمبرگ، ۲۰۱۴). یکی از رایج‌ترین مشکلات روان پزشکی در دوران کودکی و نوجوانی اختلالات اضطرابی است. تمایز بین اختلالات اضطرابی با اضطراب‌های معمول این دوران اهمیت ویژه‌ای دارد (هالی، پاسکار و ترهورست ۲۰۱۱). اختلال اضطراب اجتماعی سومین اختلال روانی و شایع‌ترین اختلال اضطرابی است (منزس، کایتنهو، فونتنلی، ویگن، فیگوریا و وریسانی،۲۰۱۱). کسلر، برگلوند، دملر، جین و ولترز (۲۰۰۵) شیوع اختلال اضطراب اجتماعی را ۱۲/۱ درصد و شیوع ۱ ساله آن را ۴/۵ درصد گزارش کردند. افراد دارای اختلال اضطراب اجتماعی در مقایسه با افراد بدون اختلال روانی دستمزد پایین‌تر، احتمال اخذ پایین‌ترین مدرک دانشگاهی، نداشتن یک شغل مدیریتی، فنی یا حرفه‌ای، ناتوانی بیشتر در ارتباطات خانوادگی، عاشقانه و اجتماعی و سابقه اقدام به خودکشی را در طول عمر دارند (دالاریمپل و زیمرن،۲۰۱۱).

با توجه به تحقیقات ذکر شده این پژوهش قصد دارد به این موضوع بپردازد که دل‌بستگی تا چه اندازه می‌تواند از طریق تنظیم هیجانی علائم اختلال اضطراب اجتماعی را در نوجوانان پیش‌بینی کند. هدف این مطالعه بررسی نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و علائم اختلال اضطراب اجتماعی در نوجوانان دختر است.

[1]- Erozkan
[2]- Brumariu

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و مبتنی بر مدل‌های همبستگی بود. جامعه‌ی پژوهش شامل تمام دانش آموزان دختر متوسطه اول نواحی آموزش و پرورش شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. حجم نمونه ۱۷۵ نفر از دانش آموزان دختر متوسطه اول ناحیه ۱ و ۲ آموزش‌وپرورش شهرستان شیراز در رده سنی ۱۳ تا ۱۶ سال بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، بدین صورت که ابتدا از بین نواحی چهارگانه آموزش و پروش شیراز، ناحیه ۱ و ۲ انتخاب و از بین مدارس دخترانه ناحیه ۱ و ۲، ۳ مدرسه و از هر مدرسه دو کلاس و سپس تمام دانش آموزان آن کلاس به عنوان نمونه انتخاب و مورد استناد قرار گرفتند.

ابزار

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که در اختیار افراد قرار گرفت. این پرسشنامه‌ها شامل: پرسشنامه دشواری در تنظیم هیجان گرتز و روئمر، پرسشنامه دل‌بستگی والدین و همسالان و پرسشنامه استاندارد مقیاس اضطراب اجتماعی نوجوانان لاجرکا است.

مقیاس دشواری در تنظیم هیجان گرتز و روئمر (DERS)[1]: مقیاس اولیه دشواری در تنظیم هیجان یک ابزار سنجش ۴۱ آیتمی خودگزارش‌دهی بود که برای ارزیابی دشواری در تنظیم هیجانی از لحاظ بالینی تدوین شد. گستره پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت ۱ تا ۵ قرار می‌گیرد. یک به معنای تقریباً هرگز (۱۰-۰ درصد)، دو به معنای گاهی اوقات (۱۱ تا ۳۵ درصد)، سه به معنای نیمی از مواقع (۳۶ تا ۶۵ درصد)، چهار به معنای اکثر اوقات (۶۶ تا ۹۰ درصد) و پنج به معنای تقریباً همیشه (۹۱ تا ۱۰۰ درصد) است.

نتایج حاکی از این است که این مقیاس از همسانی درونی بالایی، ۰/۹۳ برخوردار است (گرتز و روئمر، ۲۰۰۴). هر شش زیر مقیاس، آلفای کرونباخ بالای ۰/۸۰ دارند. بر اساس داده‌های حاصل از عزیزی، میرزایی و شمس (۱۳۸۸) میزان آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۲ برآورد شده است.

پرسشنامه دل‌بستگی والدین و همسالان (IPPA)[2]: این پرسشنامه توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) جهت اندازه‌گیری ادراک نوجوانان از ابعاد شناختی/ عاطفی مثبت و منفی با والدین و دوستان صمیمی طراحی شده که دارای ۷۵ سؤال و ۲ بخش شامل ۲۵ سؤال برای مادر و ۲۵ سؤال برای پدر است. این پرسشنامه از فرد در مورد ارتباطش با افراد مهم در زندگی یعنی مادر، پدر و دوستان نزدیک سؤال می‌پرسد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (همیشه:۵ تا هیچ‌گاه:۱) انجام می‌شود. در ایران، جوکار و سلیمی (۱۳۹۰) پس از ترجمه و انطباق فرهنگی روایی و پایایی این مقیاس را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهشگران پایایی بازآزمایی با سه هفته فاصله برای دل‌بستگی والدین ۰/۹۳ و برای همسالان ۰/۶۸ و پایایی همسانی درونی برای دل‌بستگی مادر، پدر و همسالان به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۲۹ به دست آوردند (جوکار و سلیمی،۱۳۹۰)؛ در پژوهش خجسته مهر (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد که در دامنه‌های بین ۷۳٪ تا ۹۴٪ به دست آمد و همچنین در همین پژوهش روایی پرسشنامه در روش آزمون مجدد در فاصله سه هفته

[1]- Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)

[2]- Inventory of Parent and Peer Attachment

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

بر روی یک نمونه ۲۷ نفری از آزمودنی‌های ۱۸-۲۰ ساله برای دل‌بستگی به همسالان ۸۶٪ گزارش شده است (خجسته مهر،۱۳۹۲).

پرسشنامه استاندارد مقیاس اضطراب اجتماعی نوجوانان لاجرکا: این پرسشنامه توسط لاجرکا (۱۹۹۹) جهت اندازه‌گیری اضطراب اجتماعی نوجوانان طراحی شده که دارای ۱۸ سؤال و ۳ مؤلفه است: مؤلفه‌های پرسشنامه از سه زیر مقیاس، ترس از ارزیابی منفی، اجتناب اجتماعی و اندوه در موقعیت‌های جدید، اجتناب اجتماعی و اندوه عمومی تشکیل شده است. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً شبیه من: ۵ تا حدودی شبیه من: ۴، نظری ندارم: ۳، متفاوت از من: ۲، کاملاً متفاوت از من:۱) انجام می‌شود (لاجرکا ۱۹۹۹؛ به نقل از قلی‌پور، ۱۳۹۳).

در پژوهش قلی‌پور (۱۳۹۳) برای بررسی پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی مقیاس اضطراب اجتماعی و زیر مقیاس‌های آن، ترس از ارزیابی منفی، اجتناب عمومی و اندوه جدید، اجتناب اجتماعی و اندوه عمومی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۷۴، ۰/۶۹، ۰/۷۰ بودند.

یافته‌ها

مؤلفه‌های توصیفی مربوط به اضطراب اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی به والدین و دشواری در تنظیم هیجان در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱ مؤلفه‌های توصیفی سبک‌های دل‌بستگی، دشواری تنظیم هیجان و نشانه‌های اضطراب

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
ترس از ارزیابی منفی	۱۷۵	۱۶/۹۹	۴/۶۳
اجتناب اجتماعی و اندوه در موقعیت‌های جدید	۱۷۵	۱۴/۲۱	۵/۷۶
اجتناب اجتماعی و اندوه عمومی	۱۷۵	۱۳/۳۷	۶/۰۸
اضطراب اجتماعی (کل)	۱۷۵	۴۴/۵۴	۱۴/۷۴
عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی	۱۷۵	۱۲/۲۴	۵/۰۲
دشواری در انجام رفتار هدفمند	۱۷۵	۱۴/۱۸	۵/۰۶
دشواری در کنترل تکانه	۱۷۵	۱۴/۶۹	۵/۸۰
فقدان آگاهی هیجانی	۱۷۵	۱۵/۲۹	۴/۴۶
دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجان	۱۷۵	۱۹/۰۴	۷/۲۶
عدم وضوح هیجانی	۱۷۵	۱۱/۰۲	۳/۳۹
دشواری در تنظیم هیجان (کل)	۱۷۵	۸۶/۱۴	۲۱/۲۳
دل‌بستگی به پدر	۱۷۵	۷۵/۳۳	۱۰/۶
دل‌بستگی به مادر	۱۷۵	۷۶/۲۹	۹/۵۳
دل‌بستگی به والدین (کل)	۱۷۵	۱۵۱/۶۲	۱۶/۸۴

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

در جدول شماره۱، در بررسی مؤلفه اضطراب اجتماعی، میانگین مؤلفه ترس از ارزیابی منفی از سایر مؤلفه‌ها بیشتر بوده و میانگین اضطراب اجتماعی ۱۴/۷۴±۴۴/۵۴ محاسبه شد. در بررسی مؤلفه دشواری در تنظیم هیجان، میانگین مؤلفه دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجان از سایر مؤلفه‌ها بیشتر بوده و میانگین دشواری در تنظیم هیجان ۲۱/۲۳±۸۶/۱۴ محاسبه شد. در بررسی مؤلفه دل‌بستگی به والدین، میانگین مؤلفه دل‌بستگی به پدر بیش از میانگین مؤلفه دل‌بستگی به مادر بوده و میانگین دل‌بستگی به والدین۱۶/۸۴±۱۵۱/۶۲ گزارش شده است.

جدول ۲، شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲ بررسی شاخص‌های کلی نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و اضطراب اجتماعی

شاخص‌های مدل			شاخص‌های تطبیقی		شاخص‌های مقتصد		خطا
CMIN	درجه آزادی	سطح معنی داری	CMIN/DF	CFI	TLI	PNFI	PCFI	RMSEA
۱۱۴/۷۹	۳۳	۰/۰۰۱	۳/۴۸	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۶۴	۰/۶۶	۰/۰۱۱

با توجه به شاخص‌های برازش که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مدل فرضی پژوهش از برازش مطلوب برخوردار است. نسبت$\chi 2/df$ باید کوچک‌تر از ۲ باشد که در مدل مورد نظر این مفروضه برقرار است. همین‌طور ریشه خطای میانگین مجذورهای تقریب جهت برازش مطلوب باید کمتر از ۰/۰۵ باشد که در این مدل تقریباً نزدیک به صفر است. میزان مؤلفه‌های شاخص برازش، شاخص تعدیل شده برازش، شاخص برازش هنجار شده و شاخص برازش تطبیقی نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی تمام این شاخص‌ها در محدوده نرمال قرار داشته و نشان از برازش مطلوب مدل دارد. همچنین مقدار ریشه میانگین باقی مانده نیز باید کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد که در مدل تحت بررسی برقرار است. در مجموع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که مدل ارائه شده مدل مطلوبی است و به خوبی با داده‌های تجربی مطابقت دارد.

ضرایب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دل‌بستگی، دشواری تنظیم هیجان و نشانه‌های اضطراب اجتماعی در جدول ۳ نشان داده شده است.

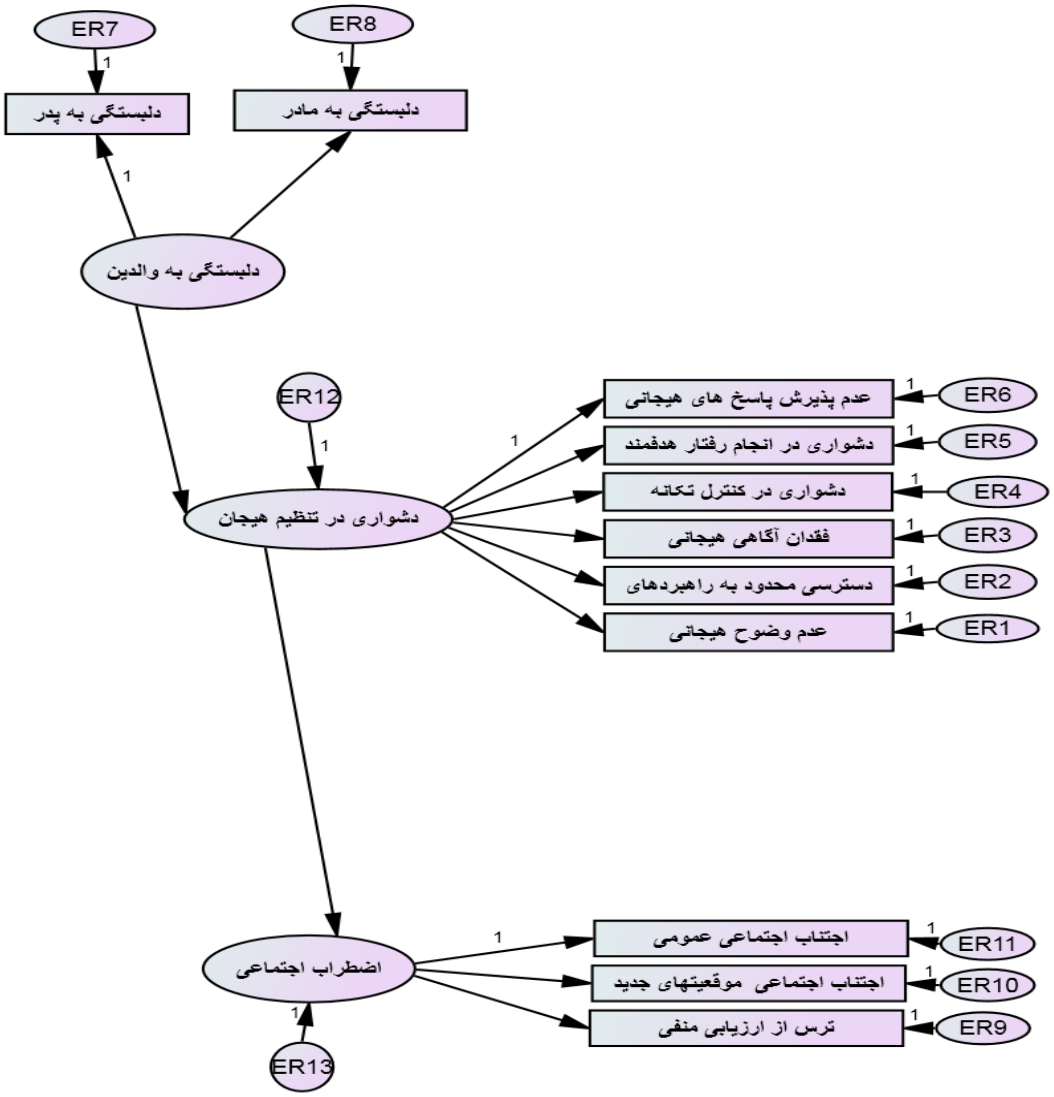
جدول ۳ خلاصه پارامترهای برآورد شده نقش واسطه‌ای دشواری درتنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و اضطراب اجتماعی

پارامتر	برآورد استاندارد	مقدار بحرانی	سطح معناداری
دل‌بستگی به والدین ← دشواری در تنظیم هیجان (اثر مستقیم)	-۰/۲۴۵	-۰/۸۶	۰/۰۳۹
دشواری در تنظیم هیجان ← اضطراب اجتماعی (اثر مستقیم)	۰/۳۷۰	۳/۱۲	۰/۰۰۲
دل‌بستگی به والدین ← اضطراب اجتماعی (اثر غیرمستقیم)	-۰/۰۹	------	۰/۰۳۵

با توجه به جدول شماره ۳ بین دشواری تنظیم هیجان و نشانه‌های اضطراب اجتماعی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل جدول شماره ۳ نشان داد که دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی

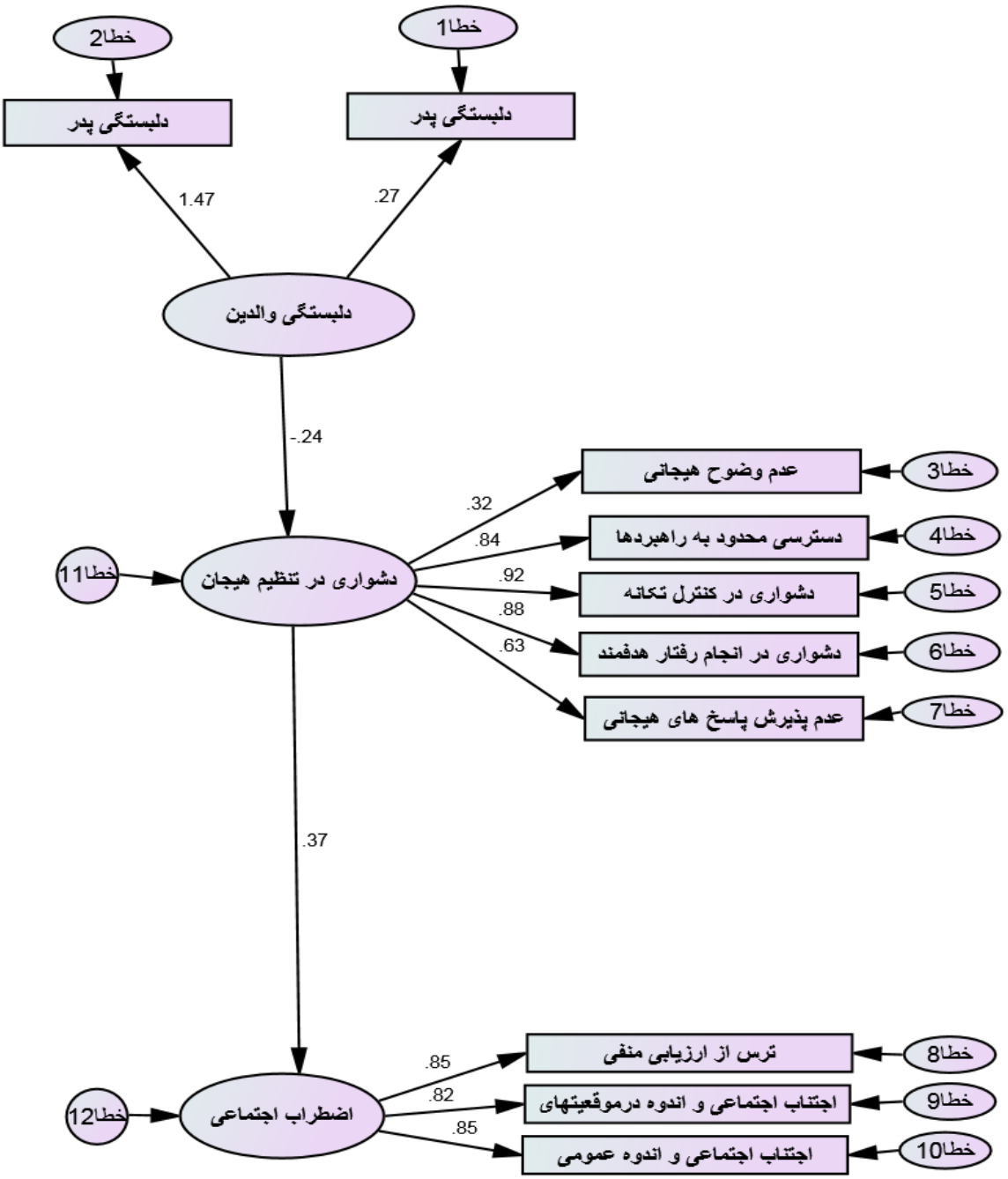
[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

به والدین، اضطراب اجتماعی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. همچنین ضریب تأثیر مستقیم دشواری در تنظیم هیجان بر اضطراب اجتماعی ادراک‌شده ۰/۳۷ است و در سطح معنی‌داری ۰/۰۲ معنی‌دار است. همچنین اثر غیرمستقیم دل‌بستگی به والدین بر اضطراب اجتماعی برابر با ۰/۰۹ است که در سطح ۰/۰۳ معنی‌دار است.



شکل ۱ مدل مفهومی نقش واسطه‌ای دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و اضطراب اجتماعی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]



شکل ۲ مدل اندازه گیری شده نقش واسطه ای دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین و اضطراب اجتماعی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

بحث

نتایج تحلیل پژوهش نشان داد، دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین، اضطراب اجتماعی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. این یافته با یافته‌های تاشکه و بازانی (۱۳۹۴)، گلدوز خیاط و رنجبر کهن (۱۳۹۳) و کوپرو شیور و کولینز (۱۹۹۸)، همسو است. این یافته بر اساس چند احتمال قابل تبیین است. غیرفعال سازی راهبردهای دل‌بستگی (سبک اجتنابی) با تنظیم هیجانی تداخل پیدا می‌کند و منجر به فرونشانی یا انکار هیجان‌ها و متکی بودن به باورهای بیش برآورد شده برتری و کفایت می‌شود. در مقابل، بیش فعال‌سازی راهبردهای دل‌بستگی (سبک اضطرابی) شامل نشخوار افراطی هیجان‌های متعارض، دل‌مشغولی در خصوص بی ثباتی نگاره‌ی دل‌بستگی و سرمایه‌گذاری بر ابراز نیازهای شخصی است (شیور و میکولینسر، ۲۰۱۴). شواهد فزاینده، حاکی از آن است که افراد با سبک دل‌بستگی ناایمن در تنظیم هیجان مشکل دارند و این مسئله آن‌ها را در خطر گستره‌ای از مشکلات سلامت روانی و اختلالات شخصیت قرار می‌دهد (لوی، ۲۰۰۵). همچنین برخی از راهبردهای تنظیم هیجان با آسیب روانی همچون اضطراب همراه است. یکی از این راهبردها نشخوار بوده که با پیامدهای منفی برای خلق و عملکرد افراد همراه است و با تفکر مکرر درباره حالت خلقی منفی و دلایل و پیامدهای آن مشخص می‌شود. نشخوارگری با فعال کردن شناخت‌های منفی در حافظه مرتبط است و می‌تواند منجر به گوشه‌گیری از روابط بین فردی و در نتیجه مشکلات هیجانی از قبیل اضطراب و افسردگی گردد. فرونشانی ابراز هیجان به عنوان دیگر راهبرد سازش نایافته هیجان، با تلاش فرد برای پنهان کردن، بازداری و کاهش ابراز هیجان همراه است (دی اوانزاتو و همکاران، ۲۰۱۳).

همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان داد، بین دل‌بستگی به والدین و دشواری در تنظیم هیجان نوجوانان دختر رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته با یافته‌های تاشکه و بازانی (۱۳۹۴)، گلدوز خیاط و رنجبر کهن (۱۳۹۳)، بیگدلی، نجفی، رستمی (۱۳۹۲)، برومری (۲۰۱۵) و کوپرو شیور و کولینز (۱۹۹۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت دل‌بستگی برای رشد روانی طبیعی و شکل‌گیری شخصیت سالم و تنظیم هیجانی مطلوب ضروری است. توانایی فرد در تنظیم هیجاناتش مستلزم داشتن یک دل‌بستگی ایمن است (گرینبرگ، ۱۹۸۷). دل‌بستگی پیوند و رابطه بین فردی است و این ارتباط یک ارتباط عاطفی است و مسلم است که هیجان‌های مختلفی در این ارتباط درگیر خواهند بود و این ارتباط نسبتاً پایدار است؛ بنابراین با توجه به الگوهای پایدار درونی (بازنمایی‌های ذهنی از خود و دیگران)، کیفیت این پیوند، حوزه‌های وسیعی از روابط بین فردی و درون فردی را در زمان حال و آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد و تأثیر مستقیم بر تنظیم هیجانات فرد دارد (مایر، ۱۹۹۱). افراد با سبک‌های دل‌بستگی متفاوت، راهکارهای متفاوتی برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی بکار می‌برند .نوجوانان دل‌بسته ایمن به والدین و همسالان، در ارتباط‌های خود از شیوه‌ای کارآمد و مؤثر ارتباطی استفاده کرده و توانایی مدیریت ارتباط عاطفی و هیجانی خود را دارند.

همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان داد بین دل‌بستگی به والدین با همه ابعاد اضطراب اجتماعی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. این یافته با یافته‌های بیرامی و محبی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

(۱۳۹۵)، هاشمی و همکاران (۱۳۹۴)، فردایی سفلی و همکاران (۱۳۹۴)، گرشام و گالونو (۲۰۱۲) و وینی و همکاران (۲۰۱۱) همسو است.

بالبی معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوندی عاطفی دارد. والدین حساس و احساس امنیت، در کودک پایه‌ای برای سلامت روانی وی می‌باشند و رابطه ناایمن موجب بی اعتمادی، مشکل در هماهنگی، حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه می‌شود. روابط دل‌بستگی نقش بسیار مهمی در احساس امنیت ما دارند. دل‌بستگی مفهومی است که ریشه در کارهای کردارشناسان دارد و دارای بار مفهومی روال تحلیل گرانه نیز هست. بالبی تأکید می‌کند هیجان‌ها جز اساسی دل‌بستگی هستند و نیز کودکان با سبک دل‌بستگی ایمنی دارای تجارب سرشار از ایمنی و به دور از اضطراب مختل‌کننده بوده و در مقابل، کودکان با سبک دل‌بستگی نا ایمن (اجتنابی – دوسو گرا) دنیا را محیطی ناامن و استرس‌زا تصور کرده و توانایی مؤثر و سازنده با مشکلات و موقعیت‌های تنش‌زا را ندارند.

کودکان با مادر سبک دل‌بستگی ایمن خواهان تعامل، همکاری و رفتار چسبندگی به مراقب خود بوده و در حضور او احساس راحتی می‌کنند. کودکان با سبک دل‌بستگی اجتنابی از این که به دو رابطه دوسویه با مراقب خویش بپردازند، اجتناب کرده و رفتاری حاکی از عدم راحتی نشان را می‌دهد که از یک طرف خواهان گرایش به مراقب و تعامل به او بوده و از سوی دیگر خواستار گریز یا اجتناب از او هستند. در واقع رشد سالم فرد در هر دوره، معلول عواملی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ایمنی دل‌بستگی است. به این ترتیب، دل‌بستگی ایمن، کودک را به داشتن یک شخصیت منعطف هدایت می‌کند. وقتی انسان به دیگران اعتماد داشته باشد و از پذیرفته شدن از طرف آنان مطمئن باشد، به کاوش در محیط اشتیاق بیشتری نشان می‌دهد، عواطف مثبت‌تری می‌یابد، از عزت نفس بالاتری بهره‌مند می‌شود، در حل مسئله پافشاری می‌کند، ابتکار و پشتکار پیدا می‌کند و به‌عبارت دیگر از سازگاری اجتماعی و عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شود. همچنین ارتباطات والد-کودک به عنوان مدلی که ارتباطات اجتماعی را شکل می‌دهد در نظر گرفته می‌شود و کودکانی که به‌طور ضعیف دل‌بسته می‌شوند ممکن است در شروع و تداوم تعاملات اجتماعی موفقیت آمیز، مشکل داشته و دچار گوشه‌گیری اجتماعی و دوری از همسالان شوند؛ بنابراین دل‌بستگی ضعیف فرصت‌هایی را که کودکان در آن به تمرین مهارت‌های اجتماعی مؤثر می‌پردازند، محدود کرده و طبیعی است که این فرآیند در افزایش بازداری از اجتماع و ناآرامی در موقعیت‌های اجتماعی نقش ایفا می‌کند (بروماری و کرنز، ۲۰۰۹).

همان‌گونه که نتایج تحلیل پژوهش نشان داد، بین دشواری در تنظیم هیجان و علائم اختلال اضطراب اجتماعی نوجوانان دختر رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با یافته‌های علی لو و همکاران (۱۳۹۵)، فردایی سفلی و همکاران (۱۳۹۴)، تاشکه و بازانی (۱۳۹۴)، وینی و همکاران (۲۰۱۱) و البام (۲۰۰۴) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که اضطراب بالا احتمالاً به استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانی مؤثر آسیب وارد کرده و بنابراین به طور منفی بر فرآیندهای بین فردی و تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد (زرماتن و همکاران، ۲۰۰۵). در موقعیت‌های بین فردی، افرادی که سطوح بالاتر اضطراب را تجربه می‌کنند، ممکن است بیشتر مستعد

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]
[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

تجربه دشواری در رفتار هدفمند باشند. این یافته‌ها، همسان با شواهد نظری و تجربی است که نشان‌دهنده نقش تنظیم هیجان در آشفتگی‌های روان شناختی و آسیب‌های روانی است (منین و همکاران، ۲۰۰۵)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد تنظیم هیجان می‌تواند چارچوبی سودمند برای مفهوم سازی اختلال‌های اضطرابی باشد (کامپلسیم و بارلو، ۲۰۰۷). نتایج ارائه شده تأیید می‌کند تفاوت‌های فردی در استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانی منفی ممکن است نقش مهمی در شروع و تداوم اضطراب داشته باشد (منین و همکاران، ۲۰۰۵) و این یافته‌ها بر اهمیت به کارگیری انعطاف‌پذیر راهبردهای تنظیم هیجان، به منظور انطباق بهتر تأکید دارند. افراد دارای اختلال اضطراب اجتماعی از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب می‌کنند؛ زیرا فقدان کنترل درونی بر روی پاسخ های هیجانی خود را هنگام روبه‌رو شدن با موقعیت‌های اضطراب اجتماعی پیش‌بینی می‌کنند. به نظر می‌رسد قابلیت تشخیص و بیان تجارب هیجانی، جنبه‌هایی از تنظیم هیجان بوده که در افراد دچار اضطراب اجتماعی مختل شده است. فرآیندهای شناختی تنظیم هیجان می‌توانند به افراد کمک کرده تا بتوانند مدیریت یا تنظیم هیجان‌ها یا عواطف را بر عهده بگیرند تا از این طریق بر مهار هیجان‌ها بعد از وقایع اضطراب‌آور توانا باشند (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶).

بدیهی است که این تحقیق همچون سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است؛ در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات تنها از پرسشنامه استفاده شد که خالی از سوگیری نیست و اگر امکان استفاده از ابزارهای سنجشی دیگر مانند مصاحبه وجود داشت نتایج به دست آمده از پژوهش دقیق‌تر به دست می‌آمد. جامعه آماری این پژوهش کلیه نوجوانان دختر شهر شیراز است و نتایج آن قابل تعمیم به سایر افراد و گروه‌ها نیست. پژوهش حاضر از نوع مقطعی بود، با توجه به این مسئله که در چنین پژوهش‌هایی امکان اظهار نظر دقیق درباره رابطه علی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد، لازم است مطالعات طولی انجام پذیرد تا روابط بین متغیرها روشن‌تر شود.

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل پژوهش نشان داد دشواری در تنظیم هیجان در رابطه بین دل‌بستگی به والدین، اضطراب اجتماعی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. همچنین بین دل‌بستگی به والدین و دشواری در تنظیم هیجان نوجوانان دختر ارتباط معنی‌داری وجود دارد و بین دل‌بستگی به والدین با همه ابعاد اضطراب اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل پژوهش نشان داد بین دشواری در تنظیم هیجان و علائم اختلال اضطراب اجتماعی نوجوانان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

سپاسگزاری

از تمامی افرادی که در این مطالعه شرکت کردند و در انجام این پژوهش ما را یاری نمودند کمال تشکر را داریم.

References

Armesden GC, & Green berg MT. (1987). The Inventory of parent and peer attachment. Relationships to well- being in adolescence. Journal of Youth and Adolescence, 16(5), 427-454.4.

Azizi A, Mirzaei & Shams J. (2010). Correlation between distress tolerance and emotion regulations with students smoking

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

dependence. Journal of Hakim Health sys res, 13(1):11-18. {In Persian}

Bayrami M & Mohebbi M. (2016). Relationship between attachment to parents and perception of conflict between parents with social anxiety disorder in female students: The mediating role of emotion-oriented coping strategy. Journal of Clinical Psychology, vol.8, 1(29). {In Persian}

Bigdeli I, Najafy M, Rostami M. (2013). The relation of attachment styles, emotion regulation and resilience to well-being among students of medical sciences. Iranian Journal of Medical Education, 13(9): 721-729. {In Persian}

Brown AM & Whiteside SP. (2008). Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. Journal of Anxiety Disorder. 2008; 22: 263-72.

Brumariu LE & Kerns KA. (2009). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. Journal of Applied Development Psychology, 2, P: 393-402.

Buckner JD, Schmidt NB, Lang AR, Small JW, Schlauch RC & Lewinsohn PM. (2008). Specify of social anxiety disorder as a risk Factor for alcohol and cannabis dependence. Journal Psychiatric Research Elsevier. 42: 230–9.

Campbell-Sills L & Barlow DH. (2007). Incorporating emotion regulation into conceptualizations and treatments of anxiety and mood disorders. IN: Gross JJ, Editor. Handbook of Emotion Regulation.2nd Ed. New York: Guildford Press, 542–59.

Cooper M, Shaver R & Collins L. (1998). Attachment styles, emotion regulation, and adjustment in adolescence. Journal of Personality and Social Psychology, Vol 74(5): 1380-1397.

D'Avanzato C, Joormann J, Siemer M & Gotlib IH. (2013). Emotion Regulation in Depression and Anxiety: Examining Diagnostic Specificity and Stability of Strategy Use. Cognitive Therapy Research, 37, 968-980.

Essau CA, Muris P, Ederer EM. (2002). Reliability & validity of the Spence children's anxiety scale and the screen for child anxiety related emotional disorders in German children. Journal of Therapy Behavior Exercise Psychology, 33: 1–18.

Fardaeni-Sofla H, Karsazi H, Emami-Ezat A, & Bakhshipour-Roodsari A. (2015). The structural relationship of anxiety sensitivity, worry and difficulty in regulating emotions with generalized anxiety disorder, social anxiety disorder and panic disorder. Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology, Vol.9, No: 63.77-92. {In Persian}

Garnefski N, Kraaij V & Van Etten M. (2005). Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and internalizing and externalizing psychopathology. Journal of Adoles, 28, 619–631.

Goldoz-Khayat N, Ranjbar-Kohan Z. (2014). Relationships between attachment styles and cognitive-emotional regulation in children and adolescents. Amin Perspective Quarterly in Applied Psychology, year1, NO.1 (piano2). {In Persian}

Goodwin I. (2003). The relevance of attachment theory to the philosophy, organization, and practice of adult mental health care. Clinical Psychology Review. 23(1): 35-56.

Gratz KL & Roomer L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. Journal of Psychology and Behavioral Assessment, 26, 41-54.

Greenberg MT. (1987). The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. Journal of Youth Adolescent, 16: 427–54.

Hashemi T, Ahmad-beigi N, Parvaz S & Karimi R. (2015). The role of attachment style in being social with regard to mediating effects of self-steam. Journal of Psychological Achievements of Education Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, VOL 4, issue 22(1), PP47-66. {In Persian}

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]

Jazaieri H, Morrison AS, Goldin PR & Gross JJ. (2015). The Role of Emotion and Emotion Regulation in Social Anxiety Disorder. Current Psychiatry Report. 2015; 17:1-9.

Khojasteh-Mehr R, Mombeini J & Aslani KH. (2013). A comparison of attitude toward marriage, attitude toward divorce and peer attachment of male high school students in divorced and intact families. Journal of School Psychology, vol.2 no3, 182-190. {In Persian}

Kun B. Demetrovics Z. (2010). Emotional intelligence and addictions: A systematic review. Substance Use Misuse. 45(7-8): 1131–60.

Last CG & Staruss CC. (1990). School refusal in anxiety disordered children & adolescents. The Behavior Therapy, 22, 133-1360.

Mennin DS, Heimberg RG, Turk CL & Fresco DM. (2005). Preliminary evidence for an emotion dysregulation model of generalized anxiety disorder. Behave Research Therapy, 43(10):1281–310.

Mennin DS, Holaway RM, Fresco DM, Moore M & Heimberg RG. (2007). Delineating components of emotion and its deregulation in anxiety and mood psychopathology. Behavior Therapy Journal, 38:284–302.

Mennin DS, McLaughlin KA & Flanagan TJ. (2009). Emotion regulation deficits in generalized anxiety disorder, social anxiety disorder, and their co-occurrence. Journal of Anxiety Disorders, 23(7): 866-871.

Rotenberg J & Gross JJ. (2007). Emotion & emotion regulation: A map for psychotherapy researchers. Clinical Psychology- Science and Practice, 14(4): 323–8.

Roza SJ, Hofstra MB, VanDer-Hende J & Verhulst FC. (2003). Stable prediction of mood and anxiety disorders based on behavioral and emotional problems in childhood: A year follow-up during childhood, adolescence, and young adulthood. The American Journal of Psychiatry, 160: 2116–21.

Shaver PR & Mikulincer M. (2014). Adult attachment and emotion regulation. IN: Gross JJ Editor, Handbook of Emotion Regulation. 2nd Ed, New York: Guilford Press, 237-250.

Stroebe M, Schut H & Stroebe W. (2006). Who benefits from disclosure? Exploration of attachment style differences in the effects of expressing emotions. Clinical Psychology Review, 26(1):66-85.

Tashkeh M & Bazani M. (2015). Prediction of social anxiety by cognitive emotional regulation and emotional schema in female and male students. Journal of Medical Sciences. 16 (50):72-83. {In Persian}

Winnie E, Richard G, Treuora H & Frankin R. (2011). Emotion Data Base: Journal of Psychology Articles, 1(4).365-380.

Woodward LJ & Fergusson DM. (2001). Life course outcomes of young people with anxiety disorders in adolescence. Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 40(9): 1086–93.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1399.7.1.2.9]

[DOI: 10.52547/shenakht.7.1.43]